

به نام خدا و به نام پایدگی ایران

تا دنیا به پاست، تا زمین می گردد، تا خورشید می فروزد، تا ستاره ها بر سینه آسمان می درخشند، میهن بزرگ مرا پیروز و کامیاب کن، مرزهای میهن مرا از گزند نیروهای اهریمنی دور بدار. از بلندی کوههای مرز و بوم قفقاز تا دورافتاده ترین کناره های بحرین، از دامان سیحون خروشان تا کرانه های دجله ی کف آلود.

پروردگارا پاینده دار این سرزمین پاک نیاکان را

ایران

ایران ای خاک آسمان سای همواره جاودان، ای خون جوشان ستم ستیز، ای کلام دل انگیز، ای یگانه ی یکپارچه، ای توان بی نهایت، این خاستگاه دلیر مردان، ای سرزمین شیرزان، تو را از جان بیشتر دوست می داریم و پیمان بسته ایم که برای استقلال و یکپارچگی تو و آزادی و سرافرازی ملت بزرگ مان هر آنچه در توان داریم به کار بندیم، باشد تا با خون ما لاله های کوه و دشت تو که نماد عشق و دوست داشتن است پیام پایداری در پیمان سپاری را به نسل هایی که خواهند آمد برساند: که ای فرزندان به هوش باشید که هر ذره این نیاخاک نشانه ای است از ایستادگی در برابر دشمنان میهن و آیینی ای است پاک که عشق به ملت و میهن را برای همیشه ی تاریخ در دل خود نگاه می دارد.

ایران

فرزندان تو یورشگران آزمند از تازیان و مغولان گرفته تا استعمارگران دیو سیرت سیاه دل را تا بیغوله هایشان تاراندند؛ اگر چه در این راه هزاران هزار سرو نوخاسته ی ایرانی در خون خود غلتیدند و چه بسیار در واپسین لحظه های زندگی نام پرافتخار تو را بر زبان راندند. در راه پرافتخار تو در برابر ستمگران ایستادند و زورگویان و بهره کشان را چونان خاشاک از سر راه برداشتند. میهن ما، عزیزدار خون پاک شهیدان گرامی ات را و بر قله ی کوه هایت بنشان نشان سدها بابک و داریوش و پروانه فروهر را.

هم میهنان!

ملت ایران در طی تاریخ پرافتخار خود ثابت کرده است که قدر فرزندان مبارز خود را می داند و تا بدانجا پیش می رود که گویی آن فرزندان بوده اند که تاریخ این ملت را ساخته اند یکی از آن مبارزان «محمد مهرداد» است که جان بر سر پیمان نهاد و تا آخرین لحظات زندگی پرافتخار خود به ایران عشق ورزید.

محمد مهرداد قهرمان نهضت ملی ایران درگذشت. او و **داریوش فروهر** از رهبران نهضت پان ایرانیسم بودند. نهضتی که پس از جنگ جهانی دوم در ایران و بنا بر خواست تاریخی ملت ایران پای گرفت و به سبب آن که بیانگر آرمان های تاریخی و اجتماعی ملت بود، به زودی از سوی جوانان و دیگر گروههای اجتماعی مردم ایران مورد پذیرش واقع شد. رزمندگان این جریان «ملت گرا» که در دو سازمان «حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم» و سازمان «پرچمداران پان ایرانیست» فعالیت می کردند از پیروان نهضت ملی ایران به رهبری مصدق بزرگ بودند و چنین بود که حقانیت خود را با پیروی از آن نهضت بزرگ ضد استبدادی و ضد استعماری ثابت کردند.

محمد مهرداد در شانزدهم بهمن ماه ۱۳۳۰ از سوی عوامل بیگانه مورد اصابت گلوله قرار گرفت. شدت جراحت به قدری بود که معالجات به نتیجه نرسید، به گونه ای که به مدت ۵۴ سال روی تخت با درد و رنج دست و پنجه نرم می کرد و حسرت یک شکوه را بر دل مرگ نهاد. او در تمام این مدت با تنی رنجور و با روحیه ای قوی و با مطالعات مستمر در جریان وقایع روز بود. آنگاه که با جوانان صحبت می کرد گویی آتش فشانیه از احساس و عشق به سربلندی و یکپارچگی ایران بزرگ بود. او همیشه و در همه حال به ایران و سرزمین های جدا شده از ایران می اندیشید، به مردم ستم دیده میهن و ناهنجاری هایی که روز به روز افزون تر می شود و به خطرهایی که استقلال ایران را تهدید می کند فکر می کرد. **محمد مهرداد** آرزویی جز استقلال میهن، آزادی ملت و زندگی سرافرازانه مردم ایران نداشت و بدین سبب همواره وظیفه ی خطیر جوانان را در این راه بدانها گوشزد می کرد. این بزرگمرد تاریخ معاصر ایران افتخار می کرد که ادامه دهنده ی راه پیشوای بزرگ ایران دکتر **محمد مصدق** و **نهضت ملی ایران** بوده است.

محمد مهرداد در شانزدهم بهمن ۱۳۳۰ مورد اصابت گلوله بیگانه پرستان قرار گرفت و در شانزدهم بهمن ۱۳۸۴ جان بر سر پیمان نهاد.

فروهر و مهرداد عزیز، پرچمی را که شما و دیگر یارانی که لحظه ای شما را تنها نگذاشتند برافراشتید، جوانان این میهن تا پیروزی بر زمین نخواهند گذاشت.

هم اندیش شما

خسرو سیف

تهران، ۱۸ بهمن ۱۳۸۴ خورشیدی

پاینده ایران